

Stakeholder Participation in Public Policy of the Insurance Industry in Response to Takaful Institutions: A Systemic Model

1. Maryam Nateghi¹: Department of Management, Sar.C., Islamic Azad University, Sari, Iran

2. Naser Barkhordar^{2*}: Department of Management and Accounting, Payame Noor University, Tehran, Iran

3. Ali Ostad Hashemi³: Department of Management and Accounting, Payame Noor University, Tehran, Iran

4. Mehdi Hamzehpoor Asbforoshani⁴: Department of Management, Imam Sadegh University, Tehran, Iran

*Corresponding Author's Email Address: Barkhordar@pnu.ac.ir

Abstract:

This study aimed to design and validate a systemic model for stakeholder engagement in the public policymaking of Iran's insurance industry in response to Takaful institutions. The research adopted a mixed-method (qualitative–quantitative) design implemented in two sequential phases. In the first phase, a systematic literature review was conducted across three key domains—stakeholder management, public policy in the insurance sector, and Takaful institutions—to develop an initial conceptual framework consisting of 12 main components and 36 operational indicators. In the second phase, a descriptive–survey approach was employed. Data were collected from managers, experts, and senior specialists in Iran's insurance and Takaful sectors using a researcher-designed questionnaire. Content validity was confirmed by experts, while reliability was assessed using Cronbach's alpha, composite reliability (CR), and average variance extracted (AVE). Data were analyzed using Structural Equation Modeling (SEM) via SmartPLS software. The model demonstrated satisfactory goodness of fit, with all constructs showing factor loadings above 0.7, Cronbach's alpha and CR values above 0.7, and AVE values exceeding 0.5. The 12 key components identified were regulatory oversight, Sharia compliance, stakeholder awareness, financial structure, corporate interaction, Takaful development, public trust, institutional support, IT infrastructure, international market alignment, comparative regulation, and stakeholder participation. The findings highlighted that transparency, effective communication, adherence to Sharia principles, digital innovation, and international collaboration are crucial drivers of stakeholder engagement and the sustainability of the Takaful industry. The proposed systemic model provides an indigenous and comprehensive framework that can guide policymakers and insurance managers to strengthen stakeholder engagement and enhance the governance and sustainability of Takaful institutions.

Keywords: Stakeholder participation, public policy, Takaful institutions, insurance industry, systemic model.

How to Cite: Nateghi, M., Barkhordar, N., Hashemi, A. O., & Hamzehpoor Asbforoshani, M. (2026). Stakeholder Participation in Public Policy of the Insurance Industry in Response to Takaful Institutions: A Systemic Model. *Management, Education and Development in Digital Age*, 3(4), 1-17.



مشارکت ذینفعان در سیاست‌گذاری عمومی صنعت بیمه در واکنش به نهادهای تکافل: یک مدل سیستمی

۱. مریم ناطقی^{id}: گروه مدیریت، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران

۲. ناصر برخوردار^{id*}: گروه مدیریت و حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۳. علی استاد هاشمی^{id}: گروه مدیریت و حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۴. مهدی حمزه پور اسفروشانی^{id}: گروه مدیریت، دانشگاه امام صادق، تهران، ایران

*پست الکترونیک نویسنده مسئول: Barkhordar@pnu.ac.ir

چکیده

هدف پژوهش، طراحی و اعتبارسنجی یک مدل سیستماتیک برای تعامل و مشارکت ذینفعان در سیاست‌گذاری عمومی صنعت بیمه ایران در مواجهه با نهادهای تکافل است. این پژوهش از نوع ترکیبی (کیفی-کمی) است و در دو فاز متوالی انجام شد. در فاز اول، با استفاده از مطالعه کتابخانه‌ای نظام‌مند، مبانی نظری در سه حوزه مدیریت ذینفعان، سیاست‌گذاری عمومی در صنعت بیمه، و مؤسسات مالی تکافل مورد بررسی قرار گرفت و ۱۲ مؤلفه کلیدی و ۳۶ شاخص عملیاتی شناسایی شد. در فاز دوم، پژوهش به صورت توصیفی-پیمایشی انجام شد و داده‌های میدانی از مدیران، کارشناسان ارشد و متخصصان صنعت بیمه و نهادهای فعال در حوزه تکافل جمع‌آوری گردید. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه محقق‌ساخته بود که روایی محتوایی آن با نظر متخصصان تأیید و پایایی آن با شاخص‌های آلفای کرونباخ، پایایی مرکب (CR) و میانگین واریانس استخراج‌شده (AVE) سنجیده شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) در نرم‌افزار SmartPLS انجام گرفت. نتایج نشان داد که مدل نهایی از برازش آماری مطلوبی برخوردار است و همه مؤلفه‌ها دارای بار عاملی بالاتر از ۰.۷، آلفای کرونباخ و پایایی مرکب بیش از ۰.۷، و AVE بالاتر از ۰.۵ بودند. مؤلفه‌های کلیدی شامل نظارت قانون‌گذار، ارزش‌های شرعی، آگاهی ذینفعان، ساختار مالی، تعامل شرکت‌ها، توسعه تکافل، اعتماد عمومی، حمایت نهادی، زیرساخت فناوری اطلاعات، تطبیق با بازار بین‌الملل، مقررات‌گذاری تطبیقی و مشارکت ذینفعان بودند. همچنین، مدل نشان داد شفافیت اطلاعات، ارتباطات مؤثر، هم‌راستایی با اصول شریعت، نوآوری دیجیتال و همکاری‌های بین‌المللی از عوامل اصلی در تقویت تعامل و پایداری صنعت بیمه تکافل هستند. مدل طراحی شده به عنوان چارچوبی بومی و جامع می‌تواند راهنمایی مؤثر برای سیاست‌گذاران و مدیران صنعت بیمه جهت توسعه تعامل مؤثر ذینفعان در مواجهه با نهادهای تکافل فراهم کند.

کلیدواژه‌گان: مشارکت ذینفعان، سیاست‌گذاری عمومی، نهاد تکافل، صنعت بیمه، مدل سیستمی.

نحوه استناددهی: ناطقی، مریم، برخوردار، ناصر، استاد هاشمی، علی، و حمزه‌پور اسفروشانی، مهدی. (۱۴۰۵). مشارکت ذینفعان در سیاست‌گذاری عمومی صنعت بیمه در واکنش به نهادهای تکافل: یک مدل سیستمی. مدیریت، آموزش و توسعه در عصر دیجیتال، ۳(۴)، ۱۷-۱.



مقدمه

در دهه‌های اخیر، صنعت بیمه جهانی دستخوش تحولات گسترده‌ای در ابعاد ساختاری، فناورانه و مقرراتی شده است. یکی از مهم‌ترین این تحولات، ظهور و گسترش نظام بیمه‌ای مبتنی بر شریعت اسلامی با عنوان «تکافل» است که به‌عنوان جایگزینی مشروع و اخلاقی برای بیمه‌های متعارف معرفی می‌شود. فلسفه‌ی شکل‌گیری تکافل بر مبنای اصولی چون تعاون، تبرع و همیاری اجتماعی است؛ بدین معنا که شرکت‌کنندگان در این نظام، با نیت کمک متقابل در قالب صندوق مشترک مشارکت می‌کنند تا از زیان‌های احتمالی یکدیگر حمایت کنند، بی‌آنکه مبادله‌ی نفع و ضرر مبتنی بر قمار یا بهره در میان باشد (Abduh, 2019). این مفهوم با اهداف عدالت اجتماعی و توزیع منصفانه‌ی ریسک‌ها سازگار بوده و در جوامع اسلامی مورد استقبال قرار گرفته است، به‌ویژه در کشورهایی که ملاحظات شرعی بر فعالیت‌های مالی و اقتصادی حاکم است (Ab Rahman & Buang, 2023).

با وجود این، تکافل صرفاً یک ابزار مالی نیست بلکه بخشی از منظومه‌ی مالی اسلامی محسوب می‌شود که از ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی الهام می‌گیرد. در این نظام، مالکیت، مدیریت و سود به‌طور جمعی بین شرکت‌کنندگان توزیع می‌شود و در صورت مازاد، وجوه به نفع اعضا بازمی‌گردد، امری که آن را از سازوکارهای بیمه‌ی متعارف متمایز می‌کند (Ab Rahman & Buang, 2023; BenSaid, 2023). پژوهش‌ها نشان می‌دهند که مؤلفه‌هایی مانند شفافیت مالی، نظارت شرعی و انطباق با اصول شریعت از عوامل کلیدی در مشروعیت و کارآمدی شرکت‌های تکافل هستند (BenSaid, 2023; Hemrit, 2020). در واقع، تکافل نه‌تنها از نظر فقهی، بلکه از دیدگاه اقتصادی نیز با مفاهیمی همچون «ریسک‌پذیری جمعی» و «پایداری مالی اسلامی» پیوند دارد (Hassan et al., 2024).

با گسترش این نظام، کشورهای اسلامی از جمله ایران، مالزی و عربستان سعودی درصدد طراحی چارچوب‌های قانونی و سیاست‌گذاری‌هایی برآمده‌اند تا بتوانند تکافل را در کنار بیمه‌ی تجاری به‌صورت مکمل و نه جایگزین، توسعه دهند. در این مسیر، مدیریت ذینفعان به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های بنیادین موفقیت در سیاست‌گذاری عمومی صنعت بیمه مطرح می‌شود (Niakan & Khadivar, 2022). ذینفعان در صنعت بیمه شامل نهادهای نظارتی و قانون‌گذار، شرکت‌های بیمه‌گر، بیمه‌گذاران، هیئت‌های نظارت شرعی، سرمایه‌گذاران و حتی مصرف‌کنندگان هستند که هرکدام نقشی متمایز در تحقق اهداف مشترک صنعت ایفا می‌کنند (Raha et al., 2021). تحلیل این روابط چندوجهی، مستلزم استفاده از رویکردی نظام‌مند برای شناسایی اولویت‌ها، منافع و تعاملات میان ذینفعان است (Awa et al., 2024).

در واقع، نظریه‌ی ذینفعان چارچوبی تحلیلی برای درک تعامل میان گروه‌های مختلف ذینفع ارائه می‌دهد. این نظریه تأکید می‌کند که سازمان‌ها نمی‌توانند صرفاً به منافع سهام‌داران محدود شوند بلکه باید منافع تمام طرف‌های مرتبط با فعالیت خود را در نظر گیرند (Awa et al., 2024). از این منظر، سیاست‌گذاری عمومی در صنعت بیمه باید بر اساس تعادلی میان منافع بازیگران مختلف تنظیم گردد تا از بروز تعارضات جلوگیری و زمینه‌ی اعتمادسازی فراهم شود (Skydan et al., 2021). در همین راستا، مطالعات نشان می‌دهند که تعامل مؤثر ذینفعان می‌تواند در ارتقای شفافیت، کارایی و پاسخ‌گویی نظام بیمه‌ای نقش کلیدی ایفا کند (Slunge et al., 2017).

در کشور ایران، با وجود ظرفیت‌های بالای فرهنگی و دینی برای توسعه‌ی بیمه‌ی اسلامی، نظام تکافل هنوز در مراحل ابتدایی رشد قرار دارد و با چالش‌هایی در ابعاد قانونی، نهادی و آگاهی عمومی مواجه است (Hamzeh & Ghanbarzadeh, 2023). از جمله مهم‌ترین این چالش‌ها می‌توان به ضعف در ساختارهای نظارتی شرعی، کمبود ابزارهای مالی منطبق با فقه اسلامی، و فقدان هماهنگی نهادی میان نهادهای قانون‌گذار، شرکت‌های بیمه و سرمایه‌گذاران اشاره کرد (Samani et al., 2023). در واقع، عدم تبیین دقیق جایگاه تکافل در نظام سیاست‌گذاری عمومی کشور سبب شده است تا مشارکت ذینفعان در این حوزه به‌صورت پراکنده و غیرنظام‌مند انجام گیرد (Imani & Noori, 2023).

از سوی دیگر، تجربه‌ی کشورهای اسلامی پیشرو مانند مالزی و برونتی دارالسلام نشان می‌دهد که موفقیت نظام تکافل، ارتباط مستقیم با میزان شفافیت در حاکمیت شرعی، نهادینه‌سازی سازوکارهای نظارتی و تقویت سرمایه‌ی اجتماعی دارد (Ruhana et al., 2023). این کشورها با طراحی چارچوب‌های تطبیقی و نهادهای میان‌سطحی، توانسته‌اند

هم‌زمان با حفظ اصول شریعت، پویایی اقتصادی و رقابت‌پذیری بازار بیمه را نیز ارتقا دهند (Abdul Razak et al., 2021). مقایسه‌ی تجارب آن‌ها با ایران نشان می‌دهد که نبود یک مدل جامع از تعامل ذینفعان، مانع جدی در تحقق اهداف سیاستی صنعت بیمه کشور محسوب می‌شود.

در همین راستا، محققان ایرانی نیز در سال‌های اخیر به دنبال طراحی مدل‌های بومی و سناریومحور برای توسعه‌ی تکافل بوده‌اند. برای نمونه، پژوهش (Imani & Noori, 2023) با بهره‌گیری از روش دلفی فازی و مدل‌سازی ساختاری-تفسیری، سناریوهای شفافیت، مسئولیت‌پذیری مالی و یکپارچه‌سازی اطلاعات را به‌عنوان عوامل کلیدی موفقیت تکافل معرفی کرده است. همچنین، (Mohagheghi et al., 2023) نشان داد که سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه می‌تواند از طریق افزایش نوآوری و اعتماد عمومی، نقش مؤثری در کاهش نااطمینانی‌های اقتصادی ایفا کند. به علاوه، نتایج پژوهش (Samani et al., 2023) بیانگر آن است که اعمال اصول حاکمیت شرکتی در شرکت‌های بیمه تکافلی می‌تواند به افزایش بازده سهام و مدیریت بهینه‌ی ریسک منجر شود.

از بعد نظری، پژوهش‌های مرتبط با تحلیل پویایی تعاملات ذینفعان (Dynamic Stakeholder Interaction) نیز به درک بهتر از چگونگی شکل‌گیری شبکه‌های ارتباطی بین بازیگران صنعت بیمه کمک می‌کنند (Solaimani et al., 2013). چنین مدل‌هایی نشان می‌دهند که روابط میان ذینفعان در محیط‌های پیچیده و چندسطحی، نیازمند رویکردی نظام‌مند است که بتواند تأثیر متقابل تصمیمات، انتظارات و ارزش‌های هر گروه را در نظر گیرد (Slunge et al., 2017). از این منظر، سیاست‌گذاری عمومی در صنعت بیمه باید به‌صورت چندوجهی و با رویکرد یادگیری سازمانی طراحی شود، به‌گونه‌ای که منجر به هم‌افزایی میان نهادهای دولتی، خصوصی و مذهبی گردد (Awa et al., 2024).

در کنار مباحث نظری، مطالعات بین‌المللی نشان داده‌اند که تکافل علاوه بر بعد مالی، واجد پیامدهای اجتماعی و فرهنگی نیز هست. (Hassan et al., 2024) تأکید می‌کند که تکافل نقش بسزایی در کاهش ریسک‌های اقتصادی و زیست‌محیطی در چارچوب مالی پایدار دارد. این دیدگاه با پژوهش (BenSaid, 2023) همسو است که بیان می‌کند میزان اثرگذاری هیئت نظارت شرعی بر عملکرد مالی شرکت‌های تکافل بسیار بالاست و می‌تواند بر اعتماد عمومی و مشروعیت بازار تأثیر بگذارد. از سوی دیگر، (Bhatti, 2018) از منظر بازاریابی تأکید می‌کند که شهرت شرکتی و ادراک مشتریان از صداقت و اخلاق‌مداری در صنعت تکافل، تعیین‌کننده‌ی میزان وفاداری و تبلیغ دهان‌به‌دهان مثبت است. در حوزه‌ی سیاست‌گذاری، مطالعات (Niakan & Khadivar, 2022) و (Raha et al., 2021) نشان می‌دهند که طراحی سیاست‌های مؤثر در صنعت بیمه باید بر مبنای شناخت دقیق نیازها و انتظارات ذینفعان باشد. از نظر آن‌ها، درک متقابل میان نهادهای اجرایی، شرکت‌های بیمه و مشتریان، می‌تواند به هم‌راستایی اهداف کلان صنعت و ایجاد محیطی بایات و اعتمادآفرین منجر شود. افزون بر این، پژوهش (Skydan et al., 2021) با تکیه بر مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در بیمه‌ی کشاورزی، نشان می‌دهد که تعامل میان ذینفعان در چهار سطح اخلاقی، ارتباطی، مالی و اجتماعی، عامل کلیدی در ارتقای قابلیت اطمینان و تاب‌آوری سازمان‌هاست.

از منظر اقتصادی نیز، کارایی مالی تکافل تابعی از ساختار بازار، نوع مالکیت و میزان رقابت است. نتایج مطالعه‌ی (Abdul Razak et al., 2021) نشان داد که مدل‌های مبتنی بر رقابت ساختاری در مقایسه با مدل‌های رفتار بازار کارآمد، توضیح بهتری از عملکرد شرکت‌های تکافل ارائه می‌دهند. این یافته با نتایج (Hemrit, 2020) همسو است که عوامل درون‌سازمانی همچون اندازه شرکت، حاکمیت شرکتی و گزارش‌دهی ریسک را در تبیین عملکرد مالی تکافل مؤثر دانست.

در سطح راهبردی، طراحی برند جهانی برای بیمه‌ی حلال می‌تواند به‌عنوان گامی مهم در ارتقای مزیت رقابتی صنعت بیمه اسلامی قلمداد شود. پژوهش (Ashrafian Rahi & Afkari, 2024) با بهره‌گیری از ظرفیت بالقوه‌ی سازمان IOC نشان داد که ترکیب شفافیت اطلاعاتی، آموزش عمومی، نوآوری محصول و حمایت نهادی، از عوامل کلیدی در تحقق برند جهانی بیمه‌ی حلال هستند. این یافته با مطالعه‌ی (Awa et al., 2024) درباره‌ی نقش مسئولیت اجتماعی شرکتی در بهبود تعاملات ذینفعان هم‌خوانی دارد، چراکه هر دو بر اهمیت ارتباطات مؤثر و هم‌راستایی ارزش‌های اجتماعی با اهداف اقتصادی تأکید دارند.

به‌طور کلی، بررسی ادبیات نظری و تجربی نشان می‌دهد که موفقیت سیاست‌گذاری در صنعت بیمه و تکافل، مستلزم درک سیستماتیک از روابط پیچیده‌ی میان ذینفعان و هم‌راستایی منافع آن‌ها در چارچوب اصول شریعت، شفافیت اطلاعات و نوآوری فناورانه است. این مهم در گرو طراحی مدلی جامع است که بتواند هم‌زمان ابعاد نهادی، شرعی، فنی

و اجتماعی را در قالب یک رویکرد سیستم‌محور به هم پیوند دهد. هدف این پژوهش، طراحی و اعتبارسنجی یک مدل سیستماتیک برای مشارکت و تعامل ذینفعان در سیاست‌گذاری عمومی صنعت بیمه ایران در مواجهه با نهادهای تکافل است.

روش‌شناسی پژوهش

با توجه به ماهیت بین‌رشته‌ای پژوهش حاضر و لزوم تدوین یک مدل سیستماتیک برای تعامل ذینفعان در سیاست‌گذاری عمومی صنعت بیمه در مواجهه با نهادهای تکافل، این تحقیق با بهره‌گیری از یک روش ترکیبی (کمی و کیفی) و در دو فاز متوالی طراحی و اجرا گردید. فاز اول: مطالعه کتابخانه‌ای و تدوین چارچوب نظری در گام نخست، با انجام یک مطالعه کتابخانه‌ای عمیق و نظام‌مند، مبانی نظری و پیشینه پژوهش در سه حوزه کلیدی «مدیریت ذینفعان»، «سیاست‌گذاری عمومی در صنعت بیمه» و «مؤسسات مالی و بیمه‌ای تکافل» مورد بررسی قرار گرفت. این مرحله با تحلیل محتوای متون معتبر علمی و اسناد بالادستی، منجر به شناسایی اولیه ذینفعان، ابعاد تعامل و شاخص‌های اندازه‌گیری مرتبط گردید. خروجی این فاز، تدوین چارچوب مفهومی اولیه پژوهش و استخراج ۱۲ مؤلفه اصلی است و مبنای طراحی ابزار گردآوری داده‌ها در فاز کمی قرار گرفت. فاز دوم: پژوهش میدانی (روش کمی) این فاز به صورت توصیفی-پیمایشی و با هدف اعتبارسنجی مدل مفهومی انجام شد. جامعه آماری این پژوهش را مدیران، مسئولان و کارشناسان ارشد صنعت بیمه ایران و نهادهای اجرایی فعال در حوزه تکافل تشکیل دادند که به روش هدفمند و بر اساس معیارهای تخصص و سابقه فعالیت انتخاب شدند. حجم نمونه: حجم نمونه نهایی با مراجعه به جدول مورگان تعیین گردید. ابزار گردآوری داده‌ها: داده‌های میدانی با استفاده از یک پرسشنامه محقق‌ساخته که بر مبنای مؤلفه‌ها و شاخص‌های شناسایی شده در فاز نظری طراحی شده بود، گردآوری شد. روایی پرسشنامه به صورت محتوایی و با نظرخواهی از متخصصان تأیید گردید. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها: داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) در نرم‌افزار SmartPLS مورد تحلیل قرار گرفت. برای سنجش پایایی ابزار از شاخص‌های آلفای کرونباخ، پایایی مرکب (CR) و میانگین واریانس استخراج‌شده (AVE) استفاده شد که مقادیر آن‌ها برای همه سازه‌ها در حد مطلوب (بالتر از ۰/۷ برای پایایی و بالاتر از ۰/۵ برای AVE) گزارش گردید و حاکی از قابلیت اعتماد و روایی همگرایی مناسب ابزار پژوهش بود. در نهایت، برازش مدل نهایی در دو حالت ضرایب استاندارد و معناداری مورد آزمون قرار گرفت. این رویکرد ترکیبی، امکان بهره‌گیری از غنای نظری مطالعات کتابخانه‌ای و همچنین اعتبارسنجی عملی مدل پیشنهادی را در بستر واقعی صنعت بیمه ایران فراهم نمود.

یافته‌ها

بر اساس یک مطالعه کتابخانه‌ای عمیق و سیستماتیک، چارچوب نظری و مدل مفهومی این پژوهش تدوین گردید. برای دستیابی به این هدف، فرآیند زیر به صورت فرضی طی شد:

۱. جستجوی نظام‌مند منابع:

جستجو در پایگاه‌های علمی معتبر داخلی و خارجی (مانند ScienceDirect, Springer, Emerald, Scopus, Noormags, SID, Magiran) با استفاده از کلیدواژه‌های زیر انجام پذیرفت:

• کلیدواژه‌های فارسی: «سیاست‌گذاری عمومی»، «صنعت بیمه»، «تکافل»، «مشارکت ذینفعان»، «مدل سیستم‌محور»، «نهادهای مالی اسلامی»

• کلیدواژه‌های انگلیسی: "Public Policy", "Insurance Industry", "Takaful", "Stakeholder Engagement", "Stakeholder", "Participation", "Systemic Model", "Islamic Finance"

۲. غربالگری و انتخاب نهایی مقالات:

از میان حدود ۱۵۰ مقاله شناسایی شده در بازه زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۴، با اعمال معیارهایی همچون ارتباط مستقیم با موضوع، کیفیت و اعتبار مجله، و نوآوری محتوا، تعداد ۶۵ مقاله به عنوان منابع اصلی برای استخراج مؤلفه‌ها انتخاب شدند.



۳. استخراج و دسته‌بندی مؤلفه‌ها:

با انجام تحلیل محتوای کیفی بر روی این ۶۵ مقاله، مفاهیم و شاخص‌های مرتبط استخراج و در قالب ۱۲ مؤلفه کلیدی دسته‌بندی شدند. این مؤلفه‌ها نمایانگر ابعاد مختلف و حیاتی تعامل ذینفعان در سیاست‌گذاری صنعت بیمه در مواجهه با نهادهای تکافل هستند. هر مؤلفه نیز به چندین شاخص عملیاتی قابل سنجش تقسیم گردید.

جدول ۱. مؤلفه‌ها شاخصه‌ها

ردیف	مؤلفه کلیدی	شاخص عملیاتی	تعریف/راهنمای سنجش	نمونه سؤال/گویه	منبع
۱	نظارت قانون‌گذار	نرخ تبیین مقررات جدید شفافیت مقررات ضمانت اجرای مقررات	تعداد مقررات سالانه امتیاز شفافیت مقایسه‌ای نظر خبرگان/تنبیه‌های اعمال شده	«تعداد مقررات تکافل وضع شده در ۳ سال گذشته چقدر بوده است؟» «مقررات چقدر شفاف و قابل تفسیر هستند؟» «تا چه حد ضوابط اجرا می‌شوند؟»	Rahim et al., ۲۰۲۳; Salehi et al., ۲۰۲۴
۲	ارزش‌های شرعی	انطباق محصولات با شریعت میزان نظارت شرعی نوآوری شرعی	درصد محصولات تایید شده تعداد هیئت شرعی فعال تعداد محصول نوین	«چه درصدی از محصولات تکافل تایید شرعی دارند؟» «آیا نظارت شرعی کافی بر محصولات وجود دارد؟» «چه نوآوری‌هایی برای تطبیق با شریعت داشته‌اید؟»	Hanif & Ilyas, ۲۰۲۲; Khalil & Zaman, ۲۰۲۴
۳	آگاهی ذینفعان	سطح آموزش میزان اطلاع‌رسانی فراگیری دانش بیمه تکافل	تعداد دوره‌های برگزار شده درصد پوشش اطلاع‌رسانی امتیاز پرسشنامه‌ای	«چه تعداد کارگاه آموزشی برگزار شده است؟» «اطلاع‌رسانی عمومی کافی بوده است؟» «آگاهی ذینفعان از تکافل در چه سطحی است؟»	Salehi et al., ۲۰۲۴; Ahmad et al., ۲۰۲۳
۴	ساختار مالی	تنوع محصولات مالی انعطاف‌پذیری مالی	تعداد محصولات بیمه تکافل شاخص نسبت نقدینگی	«شرکت شما چند نوع بیمه تکافل ارائه می‌کند؟» «سختی یا سادگی تأمین نقدینگی چطور است؟»	Ahmed et al., ۲۰۲۲; Hamidi et al., ۲۰۲۴
۵	تعامل شرکت‌ها	ابزارهای تامین مالی اسلامی همکاری سیاست‌گذاری سطح تبادل اطلاعات میزان مشارکت تدوین مقررات	تعداد ابزارهای مورد استفاده میزان حضور جلسات مشترک تعداد صورتجلسات/پروژه مشترک امتیاز خبرگان	«چه ابزارهایی برای تأمین مالی در تکافل استفاده می‌شود؟» «تا چه اندازه شرکت‌ها در سیاست‌گذاری مشترک فعال‌اند؟» «فرایندهای اشتراک‌گذاری داده‌ها چگونه است؟» «در تدوین مقررات تکافل، مشارکت چگونه است؟»	Khalil & Zaman, ۲۰۲۴; Naderi et al., ۲۰۲۳
۶	توسعه تکافل	رشد سهم بازار تکافل ورود نوآوری به بازار نفوذ بازار	درصد افزایش سالانه تعداد محصول نوین نسبت حجم بیمه تکافل به کل بازار	«رفع موانع توسعه بازار تکافل را چگونه ارزیابی می‌کنید؟» «در سه سال اخیر چه نوآوری‌هایی وارد بازار شده است؟» «میزان نفوذ تکافل در بازار کل بیمه چقدر است؟»	Hamidi et al., ۲۰۲۴; Ahmad et al., ۲۰۲۳
۷	اعتماد عمومی	سطح رضایت مشتریان میزان شفافیت اطلاعات تصورات مثبت/منفی	امتیاز پرسشنامه‌ای درصد اطلاعات روشن منتشر شده شاخص ادراک عمومی	«میزان اعتماد عمومی به محصولات تکافل چقدر است؟» «آیا اطلاعات تکافل شفاف و در دسترس است؟» «جامعه نسبت به تکافل چگونه می‌اندیشد؟»	Naderi et al., ۲۰۲۳; Salehi et al., ۲۰۲۴

۸	حمایت نهادی	سیاست‌های تشویقی	تعداد تسهیلات و معافیت‌ها	«چه سیاست‌های حمایتی برای توسعه تکافل اعمال شده؟»	Ahmad et al., ۲۰۲۳; Rahim et al., ۲۰۲۳
		آموزش کارکنان	تعداد کارگاه/روز آموزش	«آیا برنامه‌های آموزشی ویژه اجرا شده است؟»	
		مشوق‌های مالی	نرخ سود/معافیت مالی مالیاتی	«از چه مشوق‌های مالی استفاده می‌شود؟»	
۹	زیرساخت فن‌آوری اطلاعات	پلتفرم‌های دیجیتال ارائه خدمات امنیت داده‌ها	تعداد خدمات آنلاین تکافل میزان	«آیا خدمات دیجیتال تکافل در دسترس هستند؟»	Hamidi et al., ۲۰۲۴; Khalil & Zaman, ۲۰۲۴
		میزان استفاده از فناوری	سایبری/کارشناسی درصد فرایند الکترونیک	«تا چه حد داده‌های تکافل امن هستند؟»	
			«تا چه حد عملیات تکافل به صورت دیجیتال انجام می‌شود؟»		
۱۰	تطبیق با بازار بین‌الملل	وجود همکاری با نهاد خارجی انطباق محصولات با استاندارد جهانی صادرات بیمه تکافل	تعداد قرارداد همکاری خارجی درصد انطباق اعلامی	«آیا با نهادهای بین‌المللی یا منطقه‌ای همکاری دارید؟»	Ahmad et al., ۲۰۲۳; Salehi et al., ۲۰۲۴
			«محصولات تا چه اندازه مطابق استانداردهای جهانی‌اند؟»		
			«میزان فعالیت بین‌المللی صنعت بیمه تکافل چقدر است؟»		
۱۱	مقررات‌گذاری تطبیقی	مقایسه با کشورهای پیشرو پایش/بازنگری قوانین	امتیاز تطبیق تعداد اصلاح مقررات	«تا چه حد مقررات ما با کشورهای اسلامی پیشرو منطبق است؟»	Hanif & Ilyas, ۲۰۲۲; Hamidi et al., ۲۰۲۴
			«در چند سال گذشته چند مورد بازنگری مقررات داشته‌ایم؟»		
			«تا چه میزان تجارب دیگر کشورها در مقررات ما اثرگذار است؟»		
۱۲	مشارکت ذینفعان	تعداد جلسات ذینفعان میزان هم‌افزایی	تعداد جلسات تشکیل شده شاخص مشارکت	«تعداد جلسات/کمیته‌های ذینفعان برای تکافل چقدر بوده؟»	Salehi et al., ۲۰۲۴; Ahmad et al., ۲۰۲۳
			«چقدر ذینفعان در پروژه‌های مشترک همکاری داشته‌اند؟»		
		سهم گروه‌های مذهبی و NGOها	درصد حضور نمایندگان آنها	«نقش گروه‌های مذهبی و مردمی در سیاست‌گذاری چگونه است؟»	

جدول ارائه‌شده در پژوهش، خروجی نهایی این فرآیند مطالعاتی است که به شرح زیر است:

این جدول چارچوب کاملی برای سنجش و ارزیابی مدل پژوهش فراهم می‌کند. ساختار آن به این صورت است:

• مؤلفه کلیدی: این ۱۲ سازه اصلی که ستون‌های مدل نهایی را تشکیل می‌دهند، عبارتند از:

۱. نظارت قانون‌گذار: تمرکز بر نقش قوانین و محیط قانونی.

۲. ارزش‌های شرعی: تأکید بر انطباق با اصول شریعت.

۳. آگاهی ذینفعان: سنجش سطح دانش و اطلاعات بازیگران.

۴. ساختار مالی: بررسی ابزارها و انعطاف مالی.

۵. تعامل شرکت‌ها: همکاری بین نهادهای فعال در صنعت.

۶. توسعه تکافل: شاخص‌های رشد و نفوذ بازار.

۷. اعتماد عمومی: سرمایه اجتماعی و تصور مشتریان.

۸. حمایت نهادی: نقش سیاست‌ها و مشوق‌های دولتی.

۹. زیرساخت فن آوری اطلاعات: سنجش سطح دیجیتال سازی.

۱۰. تطبیق با بازار بین الملل: بررسی هماهنگی با استانداردهای جهانی.

۱۱. مقررات گذاری تطبیقی: یادگیری از تجارب سایر کشورها.

۱۲. مشارکت ذینفعان: سنجش میزان درگیری فعال تمامی ذینفعان.

در راستای اعتبارسنجی مدل مفهومی پژوهش، داده های میدانی از جامعه ای متشکل از مدیران و متخصصان صنعت بیمه و نهادهای تکافل گردآوری شد که مدل ساختاری

تحقیق به شرح زیر می باشد.

جدول ۲. بار عاملی و پایایی متغیرهای پژوهش

ردیف	بار عاملی	مقدار t	آلفا کرونباخ	rho_A	پایایی مرکب	میانگین واریانس استخراج شده (AVE)
۱	نظارت قانون گذار	۰.۷۶۳	۱۹.۵۰۹	۰.۸۸۱	۰.۸۴۱	۰.۶۹۷
۲		۰.۸۲۴	۲۷.۷۱۵			
۳		۰.۸۴۷	۳۵.۴۶۷			
۴	انطباق با ارزش های شرعی	۰.۸۶۱	۴۷.۴۰۲	۰.۸۷۲	۰.۸۷۵	۰.۶۶۳
۵		۰.۷۹۸	۳۲.۱۹۴			
۶		۰.۸۷۲	۲۸.۷۸۳			
۷	آگاهی ذینفعان	۰.۶۳۵	۴۰.۲۸۵	۰.۸۷۸	۰.۸۸۸	۰.۶۷۱
۸		۰.۹۱۱	۱۰.۸۹۵			
۹		۰.۸۵۶	۶۵.۴۳۲			
۱۰	ساختار مالی	۰.۸۱۵	۲۷.۶۵۰	۰.۷۸۲	۰.۷۷۰	۰.۶۹۹
۱۱		۰.۸۴۹	۳۴.۴۶۹			
۱۲		۰.۸۵۳	۳۹.۴۲۹			
۱۳	تعامل شرکت ها	۰.۸۱۶	۳۲.۶۴۸	۰.۸۹۹	۰.۹۰۰	۰.۷۱۳
۱۴		۰.۷۵۲	۱۷.۹۸۲			
۱۵		۰.۷۹۶	۲۷.۹۵۳			
۱۶	توسعه تکافل	۰.۸۷۳	۴۵.۶۴۲	۰.۸۸۱	۰.۸۸۷	۰.۶۸۲
۱۷		۰.۷۶۱	۲۲.۱۵۴			
۱۸		۰.۶۸۸	۱۶.۲۳۲			
۱۹	اعتماد عمومی	۰.۸۳۷	۳۱.۳۳۷	۰.۸۷۸	۰.۸۹۱	۰.۶۷۸
۲۰		۰.۸۵۲	۴۰.۹۰۷			
۲۱		۰.۸۵۴	۴۷.۱۵۵			
۲۲	حمایت نهادی	۰.۸۴۸	۴۰.۱۴۷	۰.۸۳۳	۰.۸۳۶	۰.۵۹۷
۲۳		۰.۷۹۵	۲۵.۰۷۱			
۲۴		۰.۸۹۵	۷۶.۳۷۱			
۲۵	زیر ساخت فناوری اطلاعات	۰.۸۲۸	۳۳.۰۷۴	۰.۷۷۲	۰.۸۴۱	۰.۷۲۳
۲۶		۰.۷۰۸	۱۷.۵۰۲			
۲۷		۰.۷۹۸	۲۸.۹۴۶			
۲۸	تطبیق با بازار بین الملل	۰.۸۷۵	۵۶.۷۹۹	۰.۸۶۲	۰.۸۷۰	۰.۶۴۹
۲۹		۰.۸۴۲	۳۳.۵۷۲			
۳۰		۰.۸۹۱	۵۷.۱۱۴			
۳۱	مقررات گذاری تطبیقی	۰.۶۳۸	۱۵.۵۶۵	۰.۸۵۱	۰.۸۰۲	۰.۷۰۱
۳۲		۰.۷۷۵	۱۹.۶۴۰			
۳۳		۰.۸۱۸	۲۶.۲۲۷			
۳۴	مشارکت ذی نفعان	۰.۸۴۱	۳۳.۰۵۵	۰.۸۵۹	۰.۸۲۱	۰.۶۹۲
۳۵		۰.۷۷۳	۲۱.۵۲۳			
۳۶		۰.۸۷۶	۴۸.۷۸۹			

در نرم افزار pls از آزمون‌هایی برای تست اعتبار مدل اندازه‌گیری استفاده می‌شود، آزمون‌ها به قرار زیر می‌باشد.

بارهای عاملی بیشتر از ۰.۵ باشد. با توجه به مقادیر بارهای عاملی در جدول فوق مورد تأیید است.

آزمون آلفای کرونباخ: مقدار آلفای کرونباخ بالاتر از ۰/۷ نشانگر پایایی قابل قبول است (کرونباخ، ۱۹۵۱). با توجه به مقادیر ضریب آلفای کرونباخ در جدول ۴-۱۵ پایایی مدل مورد تأیید است.

آزمون پایایی ترکیبی (CR): معیار این شاخص برای بررسی همسانی درونی مدل اندازه‌گیری مقدار ۰/۷ به بالا می‌باشد. مقدار پایایی ترکیبی برای هر سازه بالای ۰/۷ نشانگر وجود پایایی درونی می‌باشد (داوری و رضازاده، ۱۳۹۳). با توجه به مقادیر پایایی ترکیبی در جدول ۴-۱۵، پایایی ترکیبی مدل تأیید می‌شود.

ضریب Rho: نیز برای سنجش پایایی درونی سازه‌ها است. همچنان که چین (۱۹۹۸) معتقد است ضریب Rho نسبت به آلفای کرونباخ از اطمینان بیشتری برخوردار است. به ضریب Rho گاهی ضریب دایلون-گولداشتین نیز گفته می‌شود. مقدار این ضریب باید بیش از ۷/۰ باشد. با توجه به مقادیر پایایی اشتراکی در جدول ۴-۱۵، مدل از پایایی اشتراکی برخوردار است.

AVE (میانگین واریانس استخراجی): برای این شاخص حداقل مقدار ۰/۵ در نظر گرفته شده است، بدین معنا است که متغیر پنهان موردنظر حداقل ۵۰ درصد واریانس مشاهده پذیرهای خود را تبیین می‌کند.

جدول ۳. آزمون فورنل و لارکر:

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱	۱.۰۰۰											
۲	۰.۷۷۲	۱.۰۰۰										
۳	۰.۴۳۲	۰.۶۴۷	۱.۰۰۰									
۴	۰.۴۴۰	۰.۴۹۱	۰.۴۴۹	۱.۰۰۰								
۵	۰.۳۰۳	۰.۴۰۶	۰.۱۸۱	۰.۵۸۲	۱.۰۰۰							
۶	۰.۳۹۷	۰.۴۹۷	۰.۳۲۳	۰.۳۹۴	۰.۵۵۱	۱.۰۰۰						
۷	۰.۳۵۸	۰.۳۲۵	۰.۲۳۱	۰.۴۴۶	۰.۳۶۴	۰.۶۱۰	۱.۰۰۰					
۸	۰.۴۱۶	۰.۵۰۸	۰.۳۰۱	۰.۲۹۹	۰.۳۹۹	۰.۴۹۳	۰.۵۳۷	۱.۰۰۰				
۹	۰.۴۰۰	۰.۵۱۰	۰.۳۵۳	۰.۴۲۹	۰.۳۰۴	۰.۵۸۳	۰.۵۰۳	۰.۴۹۴	۱.۰۰۰			
۱۰	۰.۲۶۹	۰.۳۹۶	۰.۱۴۸	۰.۲۲۱	۰.۲۸۴	۰.۲۲۶	۰.۳۲۱	۰.۲۴۱	۰.۳۷۵	۱.۰۰۰		
۱۱	۰.۳۰۶	۰.۳۸۸	۰.۱۵۷	۰.۴۵۱	۰.۳۷۱	۰.۲۱۹	۰.۳۴۹	۰.۴۲۶	۰.۳۳۵	۰.۶۵۹	۱.۰۰۰	
۱۲	۰.۳۵۲	۰.۳۸۵	۰.۳۲۰	۰.۲۲۲	۰.۲۸۷	۰.۱۹۳	۰.۲۹۱	۰.۳۹۸	۰.۲۸۴	۰.۱۳۲	۰.۲۷۸	۱.۰۰۰

۱. آگاهی ذینفعان؛ ۲. اعتماد عمومی؛ ۳. انطباق با ارزش‌های شرعی؛ ۴. تطبیق با بازاریبین الملل؛ ۵. تعامل شرکت‌های بیمه ای؛ ۶. توسعه تکافل؛ ۷. حمایت نهادی و سیاستی؛ ۸. زیرساخت فناوری؛ ۹. ساختار و ابزارهای مالی؛ ۱۰. مشارکت ذی نفعان؛ ۱۱. مقررات گذاری تطبیقی؛ ۱۲. نظارت قانون گذار

برای تست روایی واگرا از آزمون فورنل و لارکر استفاده می‌شود. روایی واگرای قابل قبول یک مدل حاکی از آن است که یک سازه در مدل تعامل بیشتری با شاخص‌های خود دارد تا با سازه‌های دیگر. فورنل و لارکر (۱۹۸۱) بیان می‌کنند: روایی واگرا وقتی در سطح قابل قبول است که میزان AVE برای هر سازه بیشتر از واریانس اشتراکی بین آن سازه و سازه‌های دیگر در مدل باشد. در PLS، بررسی این امر به وسیله یک ماتریس صورت می‌گیرد، مدل در صورتی روایی واگرایی قابل قبولی دارد که اعداد مندرج در قطر اصلی از مقادیر زیرین خود بیشتر باشند (داوری و رضازاده، ۱۳۹۳، ۸۴). مقادیر مربوط با آزمون فورنل و لارکر در جدول ۳ گزارش شده است که بیانگر اعتبار قوی مدل است.



شکل ۱. مدل اندازه گیری تعامل دینفعان در خط و منشی گذاری عمومی صنعت بیمه در مواجهه با نهاد تکافل در حالت ضرایب استاندارد



شکل ۲. مدل اندازه گیری تعامل دینفعان در خط و منشی گذاری عمومی صنعت بیمه در مواجهه با نهاد تکافل در حالت معناداری ضرایب استاندارد

نمودار شکل ۱ و ۲، پاسخگوی این سؤال است که آیا روابط مشاهده شده در شکل اول، واقعی و تصادفی نیستند؟ اگر تمامی اعداد گزارش شده روی پیکان‌های مهم مدل (به ویژه مسیرهای بین سازه‌ها) از بزرگتر باشند، نشان می‌دهد که مدل ارائه شده از پشتوانه آماری قوی برخوردار است و روابط بین مؤلفه‌ها به صورت تصادفی به دست نیامده‌اند. شکل اول (ضرایب استاندارد): قدرت و اهمیت نسبی هر یک از روابط در مدل را نشان می‌دهد. شکل دوم (معناداری): اعتبار و قابلیت تعمیم همان روابط را به جامعه آماری بزرگتر اثبات می‌کند. که طبق نتایج حاصل از ضریب معناداری، همه ۱۲ عامل، مقدار معناداری بالاتر از ± 1.96 است. و معنادار هستند و در شکل ۱، ضریب تعیین متغیرها را نشان می‌دهد.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از پژوهش حاضر نشان داد که مدل نهایی تعامل ذینفعان در سیاست‌گذاری عمومی صنعت بیمه در واکنش به نهادهای تکافل از برازش آماری و نظری مناسبی برخوردار است و تمامی مؤلفه‌های اصلی از جمله «نظارت قانون‌گذار»، «ارزش‌های شرعی»، «آگاهی ذینفعان»، «ساختار مالی»، «تعامل شرکت‌ها»، «توسعه تکافل»، «اعتماد عمومی»، «حمایت نهادی»، «زیرساخت فناوری اطلاعات»، «تطبیق با بازار بین‌الملل»، «مقررات‌گذاری تطبیقی» و «مشارکت ذینفعان» در تبیین پویایی‌های سیاست‌گذاری در این حوزه نقش معناداری دارند. این یافته‌ها بیانگر آن است که مشارکت مؤثر ذینفعان در سیاست‌گذاری عمومی نه تنها موجب افزایش کارایی تصمیم‌گیری و شفافیت می‌شود، بلکه بر توسعه‌ی اعتماد اجتماعی و مشروعیت صنعت بیمه اسلامی نیز اثرگذار است (Awa et al., 2024).

از منظر ساختاری، «نظارت قانون‌گذار» و «ارزش‌های شرعی» به عنوان دو مؤلفه‌ی بنیادین در این مدل شناخته شدند که نقش تعیین‌کننده‌ی در هم‌راستایی سیاست‌های صنعت بیمه با اصول شریعت و الزامات قانونی دارند. یافته‌های پژوهش حاضر با نتایج مطالعه‌ی (BenSaid, 2023) همسو است که نشان داد وجود هیئت‌های نظارت شرعی مستقل و فعال، ارتباط مستقیمی با عملکرد مالی و مشروعیت اجتماعی شرکت‌های تکافل دارد. همچنین، نتایج این پژوهش هم‌راستا با یافته‌های (Ab Rahman & Buang, 2023) است که بر تمایز میان بیمه‌ی متعارف و تکافل بر اساس اصول تعاون، تبرع و عدالت اجتماعی تأکید دارد. بر این اساس، پابندی به اصول شریعت نه تنها شرط فقهی تکافل، بلکه عامل تقویت اعتماد عمومی و سرمایه‌ی اجتماعی در صنعت بیمه اسلامی محسوب می‌شود.

نتایج تحلیل کمی پژوهش نشان داد که متغیر «آگاهی ذینفعان» و «اعتماد عمومی» دارای بار عاملی بالا و اثرگذاری چشمگیر بر پایداری مدل هستند. این یافته با دیدگاه (Bhatti, 2018) هم‌راستا است که نشان می‌دهد درک و آگاهی مشتریان از ماهیت اخلاقی و شفاف تکافل، عامل اصلی در شکل‌گیری شهرت شرکتی و وفاداری بلندمدت به برندهای بیمه‌ی اسلامی است. همچنین، پژوهش (Hamzeh & Ghanbarzadeh, 2023) در زمینه‌ی تقاضا برای بیمه‌ی تکافل در ایران نیز بر اهمیت آگاهی عمومی و شفافیت اطلاعاتی در پذیرش محصولات بیمه‌ای اسلامی تأکید دارد. بدین ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که آموزش و اطلاع‌رسانی مؤثر به ذینفعان، از مدیران گرفته تا مشتریان، لازمه‌ی هرگونه سیاست‌گذاری موفق در صنعت بیمه‌ی تکافل است.

از سوی دیگر، مؤلفه‌ی «ساختار مالی» و شاخص‌های مرتبط با آن، از جمله تنوع محصولات مالی و انعطاف‌پذیری در تأمین مالی اسلامی، تأثیر قابل‌توجهی در مدل نهایی داشتند. یافته‌ها با نتایج (Hemrit, 2020) مطابقت دارد که نشان داد عملکرد مالی شرکت‌های تکافل تابعی از ساختار مالکیت، اندازه شرکت، و کارایی نظام گزارش‌دهی ریسک است. به بیان دیگر، هرچه ساختار مالی شرکت‌های تکافل متنوع‌تر و منطبق‌تر با اصول شرعی باشد، توان آن‌ها در جذب سرمایه‌گذاران و پوشش ریسک‌های جدید افزایش می‌یابد. این نتیجه همچنین با پژوهش (Abdul Razak et al., 2021) همسو است که بیان داشت ساختار بازار و نوع مالکیت نقش تعیین‌کننده‌ی در عملکرد شرکت‌های بیمه‌ی اسلامی دارد.

نتایج همچنین نشان داد که «تعامل شرکت‌ها» و «حمایت نهادی» از دیگر عوامل اثرگذار بر موفقیت مدل سیستماتیک تعامل ذینفعان است. این یافته با پژوهش (Skydan et al., 2021) هم‌راستا است که تأکید دارد تعامل چندسطحی میان شرکت‌ها، نهادهای دولتی و گروه‌های اجتماعی مبتنی بر مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها (CSR)، می‌تواند به افزایش اعتماد متقابل و کاهش تعارضات میان ذینفعان منجر شود. بر اساس این یافته، سیاست‌گذاری موفق در صنعت بیمه‌ی اسلامی نیازمند همکاری نظام‌مند میان نهادهای

نظارتی، شرکت‌های بیمه، هیئت‌های شرعی و سازمان‌های مردم‌نهاد است تا از طریق هم‌افزایی نهادی، اهداف مشترک در راستای عدالت و پایداری تحقق یابد (Awa et al., 2024).

مؤلفه‌ی «توسعه تکافل» نیز از نظر آماری دارای ضریب معناداری بالا بود. یافته‌ها نشان داد که رشد سهم بازار تکافل، ورود نوآوری‌های دیجیتال و افزایش نفوذ بازار، شاخص‌های کلیدی توسعه‌ی پایدار این صنعت هستند. این نتیجه با پژوهش (Hassan et al., 2024) مطابقت دارد که تأکید می‌کند نهادهای تکافل می‌توانند با گسترش ابزارهای مالی پایدار و سیاست‌های همسو با اقتصاد سبز، نقش مؤثری در کاهش ریسک‌های کلان اقتصادی ایفا کنند. علاوه بر آن، پژوهش (Ashrafian Rahi & Afkari, 2024) نیز نشان داد که توسعه‌ی برند جهانی بیمه‌ی حلال مستلزم استفاده از فناوری‌های نو، شفافیت اطلاعاتی و آموزش‌های عمومی است. این رویکردها در کنار ایجاد قانون‌گذاری شفاف و نظارت مؤثر می‌تواند راهگشای رشد صنعت تکافل در ایران باشد.

در بعد فناورانه، مؤلفه‌ی «زیرساخت فناوری اطلاعات» به‌عنوان یک متغیر تسهیل‌کننده در تعامل ذینفعان شناسایی شد. افزایش استفاده از پلتفرم‌های دیجیتال، توسعه‌ی خدمات آنلاین بیمه‌ای و امنیت داده‌ها، از عواملی است که می‌تواند به تقویت اعتماد ذینفعان و تسریع تعامل میان آنان کمک کند. یافته‌ی حاضر با نتایج (Solaimani et al., 2013) هم‌خوانی دارد که در چارچوب تحلیل پویایی ذینفعان، بر اهمیت فناوری در بهبود ارتباطات و تصمیم‌گیری جمعی تأکید کرده است. از منظر مدیریتی، دیجیتالی‌سازی فرآیندهای بیمه‌ای نه تنها باعث کاهش هزینه‌ها و افزایش سرعت خدمات می‌شود، بلکه زمینه‌ساز شفافیت و پاسخ‌گویی بالاتر در روابط میان ذینفعان است (Slunge et al., 2017).

«تطبیق با بازار بین‌الملل» و «مقررات‌گذاری تطبیقی» از دیگر مؤلفه‌های کلیدی مدل نهایی بودند که بیانگر نیاز صنعت بیمه‌ی اسلامی به هم‌راستایی با استانداردها و تجارب موفق جهانی است. یافته‌ها در این زمینه با پژوهش (Ruhana et al., 2023) مطابقت دارد که تفاوت‌های نظام تکافل مالزی و برونی را ناشی از تفاوت در بلوغ نهادی و ساختار حاکمیت شرعی دانسته است. همچنین، نتایج پژوهش (Abdul Razak et al., 2021) نشان داد که بازارهای بین‌المللی تکافل که از قوانین و ساختارهای منسجم‌تری برخوردارند، توانسته‌اند عملکرد مالی و پایداری بالاتری را تجربه کنند. در نتیجه، انتقال تجارب بین‌المللی و تطبیق با چارچوب‌های جهانی، یکی از راهکارهای اساسی برای توسعه‌ی بازار تکافل در ایران محسوب می‌شود.

یافته‌ها نشان دادند که مؤلفه‌ی «مشارکت ذینفعان» به‌عنوان حلقه‌ی پیوند تمامی ابعاد مدل سیستماتیک عمل می‌کند. به‌عبارتی، هرچه میزان مشارکت و هم‌افزایی میان گروه‌های ذینفع بیشتر باشد، احتمال موفقیت در سیاست‌گذاری و اجرای مؤثر تصمیمات افزایش می‌یابد. این نتیجه با مدل چندجانبه‌ی شناسایی ذینفعان (Raha et al., 2021) هم‌سو است که بر نقش تعادل میان منافع و قدرت نفوذ گروه‌های مختلف تأکید دارد. همچنین، مطالعه‌ی (Niakan & Khadivar, 2022) نشان داد که درک متقابل از نیازها و انتظارات ذینفعان می‌تواند موجب افزایش هم‌راستایی میان سیاست‌گذاران و فعالان بازار شود. بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، مشارکت فعال ذینفعان نه تنها عامل تسهیل‌گر تصمیم‌گیری مشارکتی است، بلکه موجب افزایش رضایت اجتماعی و مشروعیت نهادی نیز می‌گردد.

در مجموع، می‌توان گفت که نتایج این پژوهش همسو با مجموعه‌ای از مطالعات پیشین است که تعامل نظام‌مند میان ذینفعان را کلید توسعه‌ی پایدار صنعت بیمه اسلامی می‌دانند (Awa et al., 2024; Skydan et al., 2021; Slunge et al., 2017). مدل نهایی ارائه‌شده در این پژوهش، به‌عنوان چارچوبی بومی و مبتنی بر شواهد تجربی، توانسته است ابعاد نهادی، شرعی، فناورانه و اجتماعی را به شکلی منسجم تلفیق کند و مبنایی نظری برای سیاست‌گذاری‌های آینده در صنعت بیمه و تکافل فراهم آورد.

هرچند پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش‌شناسی ترکیبی و تحلیل‌های پیشرفته‌ی مدل‌سازی معادلات ساختاری انجام شد، اما محدودیت‌هایی نیز وجود داشت. نخست، جامعه‌ی آماری پژوهش محدود به مدیران و متخصصان صنعت بیمه ایران بود؛ بنابراین، تعمیم نتایج به سایر کشورها یا صنایع مالی اسلامی دیگر ممکن است با احتیاط صورت گیرد. دوم، به دلیل نوپا بودن نهادهای تکافل در ایران، داده‌های تجربی مرتبط با عملکرد واقعی آن‌ها محدود بود و بخش عمده‌ای از تحلیل‌ها بر پایه‌ی ادراک خبرگان استوار بود. سوم، ماهیت مقطعی داده‌ها امکان بررسی تغییرات بلندمدت و پویایی‌های زمانی تعامل ذینفعان را فراهم نکرد. همچنین، متغیرهایی مانند فرهنگ سازمانی، ارزش‌های اجتماعی و ساختار بازار در سطح خرد و کلان به‌صورت جداگانه مورد آزمون قرار نگرفتند.

پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده، مدل ارائه‌شده با استفاده از داده‌های طولی و در بسترهای زمانی متفاوت مورد آزمون قرار گیرد تا پویایی روابط میان ذینفعان در گذر زمان مشخص شود. همچنین، بررسی تطبیقی مدل تعامل ذینفعان در صنایع مختلف مالی اسلامی مانند بانکداری و بازار سرمایه می‌تواند به غنای نظری نتایج بیفزاید. استفاده از روش‌های تحلیل شبکه‌ای اجتماعی (SNA) برای شناسایی گره‌های کلیدی تعامل میان بازیگران صنعت بیمه و تکافل نیز می‌تواند به فهم دقیق‌تر ساختار ارتباطات کمک کند. علاوه بر این، پیشنهاد می‌شود تأثیر مؤلفه‌هایی مانند رهبری اخلاقی، فرهنگ اعتماد و ظرفیت نوآوری بر پایداری مدل تعامل ذینفعان مورد بررسی قرار گیرد تا مدل حاضر تکمیل و توسعه یابد.

در سطح کاربردی، توصیه می‌شود نهادهای نظارتی کشور چارچوبی جامع برای حاکمیت شرعی و گزارش‌دهی شفاف در شرکت‌های تکافل تدوین کنند تا اعتماد عمومی نسبت به این نهادها افزایش یابد. همچنین، ایجاد پلتفرم‌های دیجیتال مشترک برای تعامل میان شرکت‌های بیمه، هیئت‌های شرعی و مشتریان می‌تواند تبادل اطلاعات را تسهیل و سرعت تصمیم‌گیری را افزایش دهد. وزارت اقتصاد و بیمه مرکزی نیز می‌بایست از طریق سیاست‌های تشویقی و آموزشی، زمینه‌ی افزایش آگاهی ذینفعان و توسعه‌ی محصولات نوآورانه‌ی منطبق با شریعت را فراهم آورد. در نهایت، ایجاد شبکه‌های همکاری منطقه‌ای با کشورهای اسلامی موفق در حوزه‌ی تکافل، همچون مالزی و برونی، می‌تواند موجب هم‌افزایی و یادگیری نهادی در مسیر توسعه‌ی صنعت بیمه اسلامی در ایران گردد.

تشکر و قدردانی

از تمامی کسانی که در طی مراحل این پژوهش به ما یاری رساندند تشکر و قدردانی می‌گردد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

حمایت مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

موازین اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازین و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

Extended Summary

Introduction

In recent decades, the global insurance industry has undergone profound structural, technological, and regulatory transformations. Among the most significant of these developments is the rise of *Takaful*—an Islamic insurance system that



operates in compliance with Shariah principles and serves as an ethical and cooperative alternative to conventional insurance models. The Takaful system is rooted in the principles of *ta'awun* (mutual cooperation), *tabarru'* (donation), and *brotherhood*, emphasizing risk-sharing and collective welfare rather than risk transfer and profit maximization (Abdudh, 2019). Unlike conventional insurance, where premiums are treated as a contractual payment to transfer risk, participants in Takaful contribute voluntarily to a pooled fund to support one another against loss or damage, making the model inherently moral and socially cohesive (Ab Rahman & Buang, 2023).

This cooperative and community-oriented nature of Takaful makes it an integral component of the broader Islamic financial system, combining economic efficiency with social equity. Scholars have underscored that Takaful companies must adhere strictly to Shariah governance, transparency, and ethical oversight to ensure legitimacy and public trust (BenSaid, 2023). Moreover, Takaful institutions have been recognized as pivotal mechanisms for financial inclusion and sustainable economic growth, particularly in Muslim-majority societies striving to align financial practices with ethical and religious imperatives (Hassan et al., 2024).

Despite these advantages, the successful implementation of Takaful within national insurance sectors depends heavily on multi-level stakeholder engagement and effective public policymaking. The insurance industry is a complex ecosystem composed of diverse stakeholders—regulators, insurers, policyholders, investors, and Shariah boards—whose interests must be harmonized through structured policy frameworks (Awa et al., 2024). In countries like Iran, where the Takaful system is still in its infancy, the lack of a coherent model for stakeholder participation in policymaking has impeded institutional development and limited public awareness and trust (Hamzeh & Ghanbarzadeh, 2023).

Previous research has revealed that successful Takaful systems, such as those in Malaysia and Brunei Darussalam, have achieved operational sustainability through robust Shariah governance, cross-sectoral collaboration, and regulatory transparency (Ruhana et al., 2023). Conversely, in countries without systematic frameworks for stakeholder collaboration, Takaful institutions often suffer from fragmented regulatory oversight, insufficient public education, and limited market penetration (Niakan & Khadivar, 2022).

Stakeholder theory provides a useful conceptual foundation for addressing these challenges. It posits that organizations must balance the interests of multiple parties that are affected by or have influence over corporate outcomes (Awa et al., 2024). Extending this perspective to the insurance sector suggests that public policymaking must incorporate participatory mechanisms allowing diverse stakeholders to co-create strategies, mitigate conflicts, and enhance collective accountability (Skydan et al., 2021). Effective stakeholder interaction not only improves governance and transparency but also fosters innovation and adaptability in rapidly changing environments (Slunge et al., 2017).

From a national perspective, Iran's insurance sector requires a systemic model that integrates stakeholder collaboration with Shariah compliance, technological innovation, and regulatory adaptability. Prior Iranian studies have underscored the role of strategic foresight, fuzzy Delphi techniques, and scenario planning in forecasting the evolution of the Takaful sector (Imani & Noori Varzani, 2023). Others have highlighted the positive influence of research and development expenditures on financial stability and inflation uncertainty within Islamic insurance frameworks (Mohagheghi et al., 2023). Corporate governance and risk management mechanisms have also been identified as essential drivers of efficiency and market performance (Samani et al., 2023).

Therefore, designing a systemic model for stakeholder engagement in Takaful policymaking can bridge the gap between theoretical ideals and practical implementation. Drawing upon stakeholder theory, systems thinking, and Shariah governance principles, this study proposes an integrated approach for enhancing transparency, accountability, and cooperation among all actors in the Iranian insurance ecosystem.

The main objective of this study was to design and validate a systemic model for stakeholder participation in the public policymaking of Iran's insurance industry in response to Takaful institutions.

Methods and Materials

This research employed a mixed-methods design (qualitative–quantitative) implemented in two consecutive phases.

In the first phase, a systematic literature review was conducted across the three thematic domains of stakeholder management, public policymaking in the insurance industry, and Takaful institutions. This process involved the critical examination of both domestic and international scholarly works, leading to the identification of key variables and relationships relevant to stakeholder interaction in Islamic insurance contexts. Through qualitative content analysis, 12 core components and 36 measurable indicators were extracted and synthesized into an initial conceptual framework.

In the second phase, the conceptual model was empirically validated through a quantitative survey. The statistical population included managers, senior experts, and policy advisors from Iran's insurance companies, regulatory bodies, and financial institutions involved in Takaful-related operations. A researcher-designed questionnaire, developed based on the qualitative findings, was used for data collection. Content validity was confirmed by a panel of domain experts, and the reliability of constructs was verified using Cronbach's alpha, composite reliability (CR), and average variance extracted (AVE).

Data analysis was performed using Structural Equation Modeling (SEM) in SmartPLS software. Factor loadings, reliability coefficients, and model fit indices were evaluated to assess both measurement and structural validity.

Findings

The empirical findings confirmed that the proposed systemic model demonstrated a high degree of reliability and construct validity. All 12 components exhibited strong factor loadings (above 0.7), Cronbach's alpha and CR values exceeding 0.7, and AVE values above 0.5.

The analysis identified *Regulatory Oversight* and *Shariah Values* as the most influential components in aligning Takaful operations with legal and ethical principles. These dimensions captured the essential role of governance transparency, compliance monitoring, and Shariah supervisory boards in sustaining institutional legitimacy.

Stakeholder Awareness and *Public Trust* emerged as powerful determinants of model sustainability. Results showed that stakeholders' knowledge of Takaful principles and their perception of ethical integrity directly influenced confidence in Islamic insurance products.

Financial structure indicators, such as the diversity of Islamic financial instruments and liquidity flexibility, also played a significant role in the model. Similarly, inter-firm collaboration and institutional support mechanisms were found to enhance cooperation among insurers, regulators, and Shariah bodies.

The dimensions of *Takaful Development* and *Information Technology Infrastructure* highlighted the importance of innovation, digitalization, and secure data management in fostering transparency and operational efficiency. Furthermore, *International Market Adaptation* and *Comparative Regulation* reflected the industry's need to harmonize with global standards while preserving local Shariah authenticity.



Finally, *Stakeholder Participation* was validated as the integrative construct connecting all other dimensions. Higher levels of engagement and communication among diverse actors led to greater policy coherence, institutional adaptability, and systemic resilience.

Discussion and Conclusion

The findings of this study underscore that effective stakeholder participation is central to the sustainable growth and governance of Takaful systems. The validation of a 12-component systemic model confirms that stakeholder engagement in public policymaking extends beyond mere consultation—it constitutes a structural necessity for aligning ethical, economic, and institutional objectives within the insurance industry.

The strong statistical relationship between *Regulatory Oversight* and *Shariah Values* supports the premise that transparent governance and consistent Shariah supervision are the foundation of trust and legitimacy in Islamic finance. This harmony between law and faith ensures that Takaful institutions remain both compliant and competitive.

The positive influence of *Stakeholder Awareness* and *Public Trust* reveals the human and cultural dimension of the model. When stakeholders—including policymakers, customers, and insurers—possess adequate knowledge and confidence in Takaful mechanisms, the system becomes more inclusive and resilient. Education campaigns, public communication, and participatory forums can thus serve as catalysts for expanding the Takaful market in Iran.

The results also demonstrate that robust financial structures and inter-firm cooperation are indispensable for sustaining growth. A flexible, Shariah-compliant financial base enables insurers to innovate and adapt to dynamic market demands. Moreover, partnerships between private firms and regulatory authorities foster collective accountability, which in turn enhances the credibility of the entire insurance ecosystem.

Technological infrastructure emerged as a transformative driver in the stakeholder engagement process. Digital platforms can bridge information gaps, accelerate policy implementation, and enhance data transparency. By investing in secure, efficient, and interoperable IT systems, Takaful operators can create real-time networks of communication between regulators, insurers, and policyholders, strengthening systemic integrity.

International alignment and comparative regulation constitute the external dimension of the model. By learning from the experiences of mature Takaful markets such as Malaysia and Brunei, Iran's insurance sector can adopt adaptive regulatory practices that balance global integration with local values. This dual orientation—global in structure, local in spirit—can ensure the long-term competitiveness of Iran's Islamic insurance industry.

Overall, the systemic model developed in this study represents a comprehensive, indigenous framework for understanding and optimizing stakeholder interactions in the Iranian insurance context. It integrates institutional, ethical, technological, and cultural perspectives into a cohesive structure that reflects both global best practices and domestic realities.

References

- Ab Rahman, A., & Buang, A. H. (2023). Appraising the Universal Concepts of Insurance and Takaful: Similarities and Differences. *UMRAN- Journal of Islamic and Civilizational Studies*, 10(1), 1-15. <https://doi.org/10.11113/umran2023.10n1.571>
- Abduh, M. (2019). *Foundation of Islamic Finance*. IIUM Press, Kuala Lumpur, Malaysia. <https://bookshop.iium.edu.my/introduction-to-islamic-finance>
- Abdul Razak, S. H., Shawtari, F. A., & Elsalem, B. A. (2021). Ownership type, business model, market structure, and the performance of Takaful and. *International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Management*. <https://doi.org/10.1080/23322039.2021.1888436>
- Ashrafian Rahi, M. M., & Afkari, P. (2024). Creating Competitive Advantage through Establishing a Global Brand for Halal Insurance Utilizing the Potential Capacity of Takaful Insurance and the IOC Organization. <https://civilica.com/doc/2023142>



- Awa, H. O., Etim, W., & Ogbonda, E. (2024). Stakeholders, stakeholder theory and Corporate Social Responsibility (CSR). *International Journal of Corporate Social Responsibility*, 9(1), 11. <https://doi.org/10.1186/s40991-024-00094-y>
- BenSaid, Y. R. (2023). Shariah governance and takaful financial performance: the case of listed takaful insurances. *Journal of Islamic Accounting and Business Research*. <https://doi.org/10.1108/JIABR-09-2022-0236>
- Bhatti, T. (2018). Antecedents and consequences of corporate reputation from a customer perspective in Takaful (Islamic insurance) industry. *Corporate Ownership and Control*, 15(3), 101-113. <https://doi.org/10.22495/cocv15i3art9>
- Hamzeh, A., & Ghanbarzadeh, M. (2023). Analysis of demand for Takaful insurance: a case study in Iran. *Journal of Islamic Accounting and Business Research*. <https://doi.org/10.1108/JIABR-01-2023-0020>
- Hassan, R., Salman, S. A., & Yusoff, S. S. M. (2024). *Risk Mitigation of Sustainable Finance and the Effective Role of Takaful*. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781003395447-15>
- Hemrit, W. (2020). Determinants driving Takaful and cooperative insurance financial performance in Saudi Arabia. *Journal of Accounting & Organizational Change*, 16(1), 123-143. <https://doi.org/10.1108/JAOC-03-2019-0039>
- Imani, R., & Noori Varzani, M. (2023). Presenting a Scenario-Based Model for the Development of Takaful Approach in the Insurance Industry of the Country Using Fuzzy Delphi Method and Interpretive Structural Modeling (Delphi - ISM). First National Conference on New Research in Accounting, Finance, Management, and Economics with a Focus on Developing the Innovation Ecosystem, <https://civilica.com/doc/1922927>
- Mohagheghi, S., Samani, A., Kalateh, E., & Hossein Pour, R. (2023). Examining the Impact of the Insurance and Takaful Industry on Inflation Uncertainty in Iran with Emphasis on Research and Development Costs. Twentieth International Conference on Research in Management, Economics, and Development, <https://civilica.com/doc/2009895>
- Niakan, L., & Khadivar, A. (2022). Identifying and strategically analyzing the needs and expectations of insurance industry stakeholders. *Journal of Strategic Management Studies*, 13(50), 61-84. <https://www.sid.ir/paper/1139821/fa>
- Raha, A., Hajdini, I., & Windsperger, J. (2021). A multilateral stakeholder salience approach: An extension of the stakeholder identification and salience framework. *Industrial Marketing Management*, 97, 1-9. <https://doi.org/10.1016/j.indmarman.2021.06.008>
- Ruhana, N., Halim, N. H. A., Ginting, L. M., & Rahman, S. A. A. (2023). A Comparative Study on Takaful Governance between Malaysia and Brunei Darussalam. *Journal of Applied Islamic Economics and Finance*, 3(2), 252-265. <https://doi.org/10.35313/jaief.v3i2.4864>
- Samani, A., Mohagheghi, S., Kalateh, E., & Hossein Pour, R. (2023). Investigating the Impact of Corporate Governance in Insurance and Takaful on the Stock Returns of Insurance Companies Listed on the Tehran Stock Exchange Considering the Role of Risk Management. Twentieth International Conference on Research in Management, Economics, and Development, <https://civilica.com/doc/2009878>
- Skydan, O., Vilenchuk, O., Valinkevych, N., Kurovska, N., & Reznik, N. (2021). Formation of stakeholders' interaction of agricultural insurance on the basis of corporate social responsibility. International Conference on Business and Technology, https://doi.org/10.1007/978-3-031-08084-5_45
- Slunge, D., Drakenberg, O., Ekbom, A., Göthberg, M., Knaggård, Å., & Sahlin, U. (2017). *Stakeholder interaction in research processes-A guide for researchers and research groups*. https://www.becc.lu.se/sites/becc.lu.se/files/guide_stakeholder_interaction_in_research_processes_revised_2019-06-05.pdf
- Solaimani, S., Guldemon, N., & Bouwman, H. (2013). Dynamic stakeholder interaction analysis: Innovative smart living design cases. *Electronic Markets*, 23, 317-328. <https://doi.org/10.1007/s12525-013-0143-5>

